



آموزه ۳: واج آرای، واژه آرای



در این درس درباره بخشی از موسیقی کلام؛ گفت و گو خواهیم کرد که موضوع علم بدیع است. بدیع دو نمود لفظی و معنوی دارد. عواملی که موسیقی لفظی را پدید می‌آورند، **بدیع لفظی** می‌خوانیم. **بدیع معنوی** را در سال‌های آینده بررسی خواهیم کرد.

بدیع بر چند گونه است؟ نام ببرید. – بدیع لفظی و بدیع معنوی

بدیع لفظی چیست؟ – عواملی که موسیقی لفظی را پدید می‌آورد.

تفاوت بدیع لفظی و معنوی در چیست؟ – در بدیع لفظی اگر واژه را برداریم و مترادف آن را بگذاریم آرایه بدیع از میان می‌رود؛ ولی در بدیع معنوی با گذاشتن مترادف واژه بدیع از میان نمی‌رود. مانند: برادر که نه در بند **خویش** است نه برادر نه **خویش** است. در این عبارت «خویش» آرایه جناس پدید می‌آورد. اگر به جای «خویش» «خویشاوند» بگذاریم جناس از بین می‌رود. پس جناس جزء بدیع لفظی است. یا در مثال زیر:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

«ابر و باد و مه خورشید و فلک» مراعات نظیر دارند. اگر به جای «ابر» «سحاب» بگذاریم، باز هم آرایه مراعات نظیر وجود دارد. پس مراعات نظیر جزء بدیع معنوی است.

تکرار واج و واژه در زبان عادی، پسندیده نیست. اما در زبان ادبی تکرار بر جاذبه، کشش و گوشنوازی سخن می‌افزاید.

شاعران و نویسندگان متون ادبی یا از تکرار واژه سود می‌برند و یا از تکرار واج یا آوا بهره می‌گیرند؛ گاهی کل عبارت یا جمله را هم تکرار می‌کنند.

واج آرای: تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در سخن است؛ به گونه ای که بر موسیقی و تأثیر آن بیفزاید.

واج: کوچکترین آوای بی معنای زبان که معناساز است؛ مانند: «ب» و «خ» در «بار» و «خار».

صامت: ع (= ع) ، ب، پ، ت (= ط) ، ج، چ، خ، د، ر، ز (= ذ، ظ، ض)، ژ، س (= ث، ص)، ش، غ (= ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ه (=

ح)، ی. (۲۳ بی‌صدا، همخوان)



مصوّت کوتاه: - / = / ؛ / مصوّت بلند: / / او / ای / (۶ صدادار، واکه)

گوشزد: «و» و «ی» می‌توانند صامت یا مصوّت باشند؛ بسته به اینکه در کجای هجا بنشینند. اگر واج دوم هجا باشند، مصوّت و در غیر این صورت صامت اند.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است (منوچهری)

در این بیت، تکرار کدام واج‌ها بر موسیقی و آهنگ کلام افزوده است؟

مصوّت بلند «ا» در بیت، هفت بار تکرار شده است. اگر به موسیقی و آهنگی که از بیت برمی‌خیزد، دقت کنیم درمی‌یابیم که تکرار آگاهانه یک مصوّت تا چه اندازه در غنای موسیقی این بیت مؤثر بوده و به گوش‌نوازی آن کمک کرده است. در همین بیت، تکرار صامتهای «خ» و «ز» در مصراع اول نیز به عنوان یک عامل ایجادکننده موسیقی لفظی درخور توجه است.

پیش از اینت پیش از این، اندیشه عشاق بود / مهرورزی تو با ما شهره آفاق بود (حافظ)

عشاق: عاشقان / **مهرورزی:** عشق‌بازی / **شهره:** شناخته / **آفاق:** افق‌ها / **آفاق:** مجاز از همه جهان

بازگردانی: قبل از این بیشتر از اینها به فکر عاشقانت بودی. عشق بازی تو با ما در همه جهان پرآوازه و شناخته بود.

در مثال دوم، شاعر صامت «ش» را در پنج واژه آورده است؛ یعنی، «ش» بیش از هر صامت دیگری تکرار شده و همین امر بر موسیقی بیت و زیبایی آن افزوده است. این تکرار را «**واج‌آرایی**» گفته‌اند؛ زیرا آرایه ای است که از تکرار یک «واج» حاصل می‌شود.

خوابِ نوشینِ بامدادِ رحیل / باز دارد پیاده را ز سبیل (سعدی)

نوشین: شیرین؛ دلپسند / **رحیل:** کوچیدن؛ کوچ / **سبیل:** راه /

بازگردانی: خواب شیرین صبح کوچ، انسان پیاده را از سفر و راه بازمی‌دارد.

در نمونه بالا، تمامی کلمات مصراع اول با مصوّت کوتاه « = » به هم پیوسته‌اند. تکرار این مصوّت، بر موسیقی بیت افزوده است.

توجه: واج‌آرایی صامت‌ها از مصوّت‌ها محسوس‌تر است.

نمونه پرسش: واج‌آرایی صامت‌ها محسوس‌تر است یا مصوّت‌ها؟ - صامت‌ها

گوشزد ۱: این آرایه نسبی است و با نگرش به سه نکته ارزیابی می‌شود:



الف) گونه واج: برای نمونه «گ» و «چ» به سادگی شناسایی می‌شوند و به گوش می‌آیند؛ ولی «د» اینگونه نیست.

ب) تعداد واج: بازآورد بیشتر یک واج سبب می‌شود که بیشتر به گوش بیاید.

پ) فاصله واج: اگر فاصله دو واج همسان کم باشد به گوش می‌رسد. برای نمونه اگر سه بار «ش» پشت سر هم بیاید، تکرار حس می‌شود؛ ولی

اگر فاصله آنها زیاد باشد با سه بار بازآورد «ش» واج‌آرایی پدید نمی‌آید؛ مانند نمونه زیر:

شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر / کاین سر پرهوس شود خاک در سرای تو

نمونه پرسش: در بیت زیر آرایه واج‌آرایی در دیده می‌شود.

(خوابِ نوشین بامدادِ رحیل / باز دارد پیاده را ز سبیل)

نمونه پرسش: در بیت زیر تکرار واج‌های و بیش از واج‌های دیگر باعث ایجاد آرایه شده است.

(سرو را بین بر سماع بلبلان صبح خیز / همچو سرمستان به بستان، پای کوب و دست زن)

به بیت‌های زیر توجه کنید. در این نمونه‌ها، **تکرار** واژه بر تأثیر آهنگین بیت، افزوده است.

پس هستی من ز هستی اوست / تا هستم و هست، دارمش دوست (ابرج میرزا)

واژه‌آرایی: هستی / واج‌آرایی: س، ه، ت

ای دریغا، ای دریغا، ای دریغ / کاتچنان ماهی نهان شد زیر میغ (مولوی)

واژه‌آرایی: ای دریغا، دریغ / واج‌آرایی: غ (دریغ: افسوس / میغ: ابر)

بازگردانی: ای افسوس که آن چنان زیبارویی از دیده‌ها پنهان شد و از دست‌مان رفت.

با من بودی، منت نمی‌دانستم / تا من بودی، منت نمی‌دانستم

واژه‌آرایی: من، بودی، منت، نمی‌دانستم / واج‌آرایی: ن، ی، ت (منت: من تو را / نمی‌دانستم: نمی‌شناختم)

بازگردانی: تا زمانی که تو با من بودی من آگاه از تو نبودم. زمانی که تو من بودی باز هم آگاهی از تو نداشتم.

رفتم چه من از میان، تو را دانستم / با من بودی، منت نمی‌دانستم (فیض کاشانی)

واژه‌آرایی: من / واج‌آرایی: س، ه، ت (منت: من تو را)



بازگردانی: زمانی که نابود شدم و خودم را از دست دادم از تو آگاه شدم. آری زمانی که من وجود داشتم، آگاهی از تو نداشتم.

ما را سری است با تو، که گر خلق روزگار / دشمن شوند و سر برود، هم بر آن سریم (سعدی)

واژه‌آرایی: سر / واج‌آرایی: س، ر

بازگردانی: من سرو سزای با تو دارم که اگر همه مردم روزگار، دشمن من شوند و جانم از دست برود، نظر و رایم تغییر نمی‌دهم.

توجه: آنچه در تکرار اهمیت دارد، جنبه موسیقایی و آوایی سخن است نه شکل نوشتاری واژگان.

تفاوت واژه‌آرایی و جناس همسان: در واژه‌آرایی، دو واژه لفظ و معنای یکسانی دارند؛ ولی در جناس لفظ دو واژه یکسان است و معنا نایکسان.

بتی دارم که چین ابرویش / حکایت می‌کند بتخانه چین

گوشزد ۲: اگر تکواژی به واژه افزوده شود و معنا را تغییر دهد، واژه‌آرایی از میان می‌رود؛ ولی اگر معنا تغییر نکند واژه‌آرایی از بین نمی‌رود؛

مانند:

مردی نبود گریختن سوی وصال / هنگام فراق مرد باید بودن

گوشزد ۳: حرفهایی مانند: به، در، از ... با یکدیگر واژه‌آرایی پدید نمی‌آورند.

جام در دست و یار در پهلو / عشق در جان و شور در سر بود

گوشزد ۴: ردیف گونه ای واژه‌آرایی به شمار می‌رود.

نشاید که خوبان به صحرا روند / همه کس شناسند و هر جا روند

نمونه پرسش: در بیت زیر، تکرار واژه آرایه را به وجود آورده است.

(ای دریغا، ای دریغا، ای دریغ / کانچنان ماهی نهان شد زیر میغ)

خودارزیابی

۱- در بیت‌های زیر، نمونه‌های واج‌آرایی را بیابید.

■ سرو را بین بر سماع بلبان صبح خیز / همچو سرمستان به بستان، پای کوب و دست زن (خواجوی کرمانی)

واج‌آرایی: س، ن، ا / (سماع: پایکوبی؛ دست‌افشانی / سرمست: سرخوش / بستان: بوستان / پای کوبیدن: رقصیدن)



بازگردانی: درخت سرو را ببین که با خواندن و رقصیدن بلبل های سحرخیز مانند انسان های سرمست در بوستان می رقصد.

■ گو بهار دل و جان باش و خزان باش، ار نه / ای بسا باغ و بهاران که خزان من و توست (هوشنگ ابتهاج)

واژه آرایبی: باش، خزان / واج آرایبی: ن، ب، ا / (ار: اگر)

بازگردانی: بگو مهم نیست که فصل، فصل خزان باشد ولی دل و جانم بهاری باشد؛ ای بسا که در فصل بهار باشیم، ولی دلمان اندوهگین باشد و

در فصل خزان.

■ سر ارادت ما و آستان حضرت دوست / که هر چه بر سر ما می رود، ارادت اوست (حافظ)

واژه آرایبی: سر / واج آرایبی: س، ر، ت، ا / (آستان: آستانه)

بازگردانی: به آستان دوست سر سپرده ایم و هر چه بر سر ما می رود، به خواست و اراده او است.

■ ای تکیه گاه و پناه / زیباترین لحظه های / پر عصمت و پر شکوه تنهایی و / خلوت من! / ای شط شیرین پر شوکت من! (مهدی اخوان ثالث)

واژه آرایبی: پر / واج آرایبی: « = »، ت، ش، ن (شط: رودخانه / شوکت: شکوه)

بازگردانی: ای کسی که تکیه گاه و پناه منی؛ ای کسی که در تنهایی و خلوتم زیباترین لحظه های پاک و پر شکوه منی؛ ای کسی که برای من مانند آب رودخانه، شیرین و پر شوکی.

۲- در اشعار زیر، آرایه تکرار (واژه آرایبی) را بیابید.

■ عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست / من که یک امروز مهمان توام، فردا چرا؟ (شهریار)

واژه آرایبی: امروز، فردا / واج آرایبی: م، ر (مهلت: فرصت)

بازگردانی: زندگانی ما آن اندازه دراز نیست که تو هی امروز و فردا بگویی. من که فقط یک امروز مهمان تو ام، چرا دیدارمان را به فردا می اندازی.

■ دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین / به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را (شهریار)

واژه آرایبی: علی، خدا / واج آرایبی: خ (رخ: چهره)

بازگردانی: ای دل اگر خدانشناسی، خدا را با دیدن علی بشناس. به خدا که من خدا را با علی شناختم.



■ زمانه قرعه نو می‌زند به نام شما / خوشا شما که جهان می‌رود به کام شما (هوشنگ ابتهاج)

واژه‌آرایی: شما / واج‌آرایی: ش، ن (قرعه: پشک)

بازگردانی: زمانه به نام شما درآمده است. خوشا به شما که جهان به کام و آرزوی شما گردیده است.

■ گر تو گرفتارم کنی، من با گرفتاری خوشم / ور خوار چون خارم کنی، ای گل! بدان خواری خوشم (ابوالقاسم حالت)

واژه‌آرایی: خوشم / واج‌آرایی: گ، ر، خ (گر: اگر) [گرفتار و گرفتاری همچنین خوار و خواری واژه‌آرایی نیستند].

بازگردانی: اگر تو، من را گرفتار کنی من با آن گرفتاری خوشم. اگر تو من را پست و خوار کنی، ای گل، باز هم من با آن خواری می‌سازم.

■ گرم بازآمدی محبوب سیم اندام سنگین دل / گل از خارم برآوردی و خار از پای و پای از گل (سعدی)

واژه‌آرایی: خار، پای / واج‌آرایی: س، ا / (بازآمدن: برگشتن / سیم اندام: روشن و سفید پوست / سنگین دل: سنگدل)

بازگردانی: ای یار سفید اندام و سنگدل، اگر به دیدار من می‌آمدی مشکلاتم حل می‌شد.

■ بی عمر زنده ام من و این بس عجب مدار / روز فراق را که نهد در شمار عمر (حافظ)

واژه‌آرایی: عمر / واج‌آرایی: ر

بازگردانی: بی زندگانی من زنده ام و این سخن من تو را شگفت زده نکند. روز جدایی از عمر ما به شمار نمی‌آید.

■ پای استدالیان چوبین بود / پای چوبین سخت بی تمکین بود (مولوی)

واژه‌آرایی: پای، چوبین، بود / (تمکین: پابرجا، استوار بودن / بود: می‌باشد)

بازگردانی: پای کسانی که با عقل و استدلال سروکار دارند چوبین است و پای چوبین استوار و ثابت نیست.

■ از ننگ چه پرسى که مرا نام ز ننگ است / وز نام چه پرسى که مرا ننگ ز نام است (حافظ)

واژه‌آرایی: ننگ، چه، پرسى، نام، مرا، است / واج‌آرایی: ن (ننگ: بی‌آبرویی، عار؛ چه: چرا)



بازگردانی: از بی آبرویی چرا می گویی، زیرا من از بی آبرویی نامدار شده ام. از نام چرا می پرسی که من از نام و سرشناس بودن گریزانم.

■ گر اظهار پشیمانی کند گردون مشو ایمن / که بدعهد از پشیمانی، پشیمان زود می گردد (صائب)

واژه آرای: پشیمانی / واج آرای: ش، ن (اظهار: آشکار کردن / گردون: فلک)

بازگردانی: اگر جهان اظهار پشیمانی کند، به او اعتماد نکن؛ زیرا انسان بدعهد زود از پشیمان شدنش پشیمان می شود و دوباره عهد می شکند.

■ یک عمر پریشانی دل، بسته به موئی است / تنها سر موئی ز سر موئی تو دورم (قیصر امین پور)

واژه آرای: سر، موی / واج آرای: م (پریشانی: آشفتگی)

بازگردانی: مدت هاست که آشفتگی دل من بسته موی دلبر است. من فقط به اندازه یک سر مو از تو دور افتاده ام.

■ هر کجا دردی است درمانیش هست / درد عشق است آنکه درمانیش نیست (سلمان ساوجی)

واژه آرای: درد، است، درمانیش / واج آرای: د، ر

بازگردانی: هر کجا دردی وجود دارد، درمانی هم دارد. فقط درد عشق است که درمان ندارد.

۳- غزلی از دیوان حافظ بیابید که نمونه مناسبی برای کاربرد واج آرای و واژه آرای باشد؛ سپس مشخص کنید، کدام واجها و واژهها در ایجاد

این آرایهها، مؤثرند. - به عهده دانش آموزان